



## روند کاهشی اعتماد به پزشکان

گفتاری از عباس عبدی درباره جایگاه پزشکان و سیستم درمانی در ایران



## گزارش فناوری

## از ماده ۴۵ تا مدیریت مسؤلانه

بازخوانی رای شورای رقابت در پرونده انحصار اسنپپی



## در پی انسان نو

بررسی افکار بوریس گرویس و کتاب‌های ترجمه شده‌اش در حوزه‌های نقد هنری، فلسفه و رسانه



## پاس گل بایدن به ترامپ

بررسی کتاب «نخستین گناه» نوشته خبرنگاران سی‌ان‌ان و آکسیوس

## گفتار سیاستمدار

# حمایت خاتمی از مذاکرات

## سرمقاله

## ملت ماندگار

هر گاه بقا و ثبات ایران در خطر می‌افتد، به‌صورت خودکار نیروی بازسازی‌کننده و مدافع تمدنی آن فعال می‌شود و به‌مقابله برمی‌خیزد. نمونه آن، اخبار استفاده از نام جعلی برای خلیج فارس از سوی ترامپ بود که در عمل نه‌تنها آن را نادیده گرفت؛ بلکه در یکی از گفت‌وگوهای خود بارها از نام کامل و واقعی آن استفاده و سعی کرد تا حدی مسئله پیش‌آمده را جبران کند. ایران امروز در چنین وضعیت اتحاد تمدنی قرار دارد و به‌نظر می‌رسد که نوعی وحدت عمومی و ملی برای عبور از وضعیت کنونی در حال شکل‌گیری است. بدون تردید در سده‌ده گذشته سیستم سیاسی در موضوعات کلان کشور تا این اندازه متحد و هماهنگ نبوده است. نه‌تنها در هماهنگی ریاست جمهوری با مقام رهبری، بلکه در سطح سران قوا و نیروهای نظامی و انتظامی نوعی تفاهم کلی را می‌بینیم. به‌طور قطع، اختلاف‌نظر و دیدگاه وجود دارد؛ ولی همواره دو نکته را رعایت می‌کنند. اول اینکه، اختلافات را به‌سبب جوهری تبدیل نمی‌کنند در نتیجه ماجرا را به سطح جامعه و عرصه عمومی نمی‌کشانند. دوم اینکه، در حد ممکن به جمع‌بندی رسیدند و در جایی مسئله را پایان می‌دهند. البته برخی تندروها هستند که سعی می‌کنند آتشی را روشن کنند و به داخل این خرمن بیندازند و برخی از آنان در مجلس هم فعال هستند؛ ولی خوشبختانه و تاکنون در چند محور مهم شکست خورده‌اند. بنابراین، وفاق درون‌ساختاری در حد مطلوبی تحقق یافته که بتوان امیدوار به سرریز این وفاق به جامعه بود. اکنون می‌توان گفت که تاحدی چشم‌انداز چنین وفاقی هم مثبت شده است. نمونه آن، سخنان آقای خاتمی در روز گذشته است که نشان می‌دهد اراده معطوف به این تحولات را در سطحی بالاتر از ریاست جمهوری ارزیابی می‌کنند و این دلیل وجودی وفاق مزبور است. آقای خاتمی به‌درستی اشاره می‌کند که: «ایران همواره در طول تاریخ مورد تهاجم بیگانگان بوده و آسیب‌های فراوان دیده است، اما در نهایت آنچه مانده این ملت است که حتی مهاجمان را نیز در درون فرهنگ و تمدن خود جذب و هضم کرده است.» ایشان در عین حال به زمینه این تهاجم بیگانگان نیز اشاره می‌کند که ریشه در ضعف خودمان دارد و چه شهادتی بهتر از این واقعیت تاسف‌بار که: «امسال سال پایان سند چشم‌انداز است و ایران به لحاظ علمی، اقتصادی، سیاسی-امنیتی و... در منطقه‌ها تنها قدرت اول و برتر نیست، بلکه بسیاری از رقیبان ما به مراتب از ما جلو افتاده‌اند.» علت این عدم پیشرفت در درجه اول تنش‌های درون‌ساختاری و کوشش برای حذف یکدیگر و نادیده گرفتن واقعیت است. سپس بی‌توجهی به علم و دانش و تجربه بشری است که ترکیب این دو عامل موجب آن شده است که اهداف جالبی که در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ تعیین شده بود، محقق نشود. سندی که مورد اجماع و توافق نظام و نیروهای سیاسی بود، اجرایش در عمل متوقف شد و ایران دو دهه طلایی را از دست داد. از یک سو، پنجره جمعیتی در این دوره باز شد که دیگر هیچ‌گاه در آینده باز نخواهد شد و از سوی دیگر، نیروهای تحصیل‌کرده به‌وفور وارد بازار کار شدند و بالاخره دوره بی‌همتایی از درآمدهای نفتی نصیب ایران شد.

## همزمان با مذاکرات ایران و آمریکا مقامات ارشد کشورهای همسایه گردهم آمدند

# همنشینی تهران



## جنگ لفظی عراقچی - ویتکاف بر سر غنی‌سازی

نماینده ویژه آمریکا در مذاکرات با ایران اعلام کرد که دولت ترامپ حتی غنی‌سازی یک درصد رانمی‌پذیرد وزیر خارجه ایران در پاسخ هشدار داد که زیاده خواهی‌ها مذاکرات را بی‌نتیجه خواهد ساخت

## بررسی مصوبه دیروز هیئت دولت درباره قیمت گازوئیل

# علیه قاچاق سوخت

محمد محبی کارشناس انرژی

این مصوبه حتماً در کاهش قاچاق سوخت تأثیر دارد به این خاطر که دیگر از کارت ۶۰۰ تومانی سوءاستفاده نمی‌شود و نیازمندی واقعی از آن استفاده می‌کند و معطل کارت اضطراری در جایگاه نمی‌شود. بارها در برخی جایگاه‌ها دیده‌ام که برخی سهمیه سوخت‌شان تمام شده اما باید کارت سوخت فرد دیگری را با قیمت‌های بالاتر امانت بگیرند و گازوئیل بزنند که قیمت‌های آن در برخی شهرها به ۷ هزار تا ۱۲ هزار تومان نیز می‌رسد و هر چقدر به مرزها نزدیکتر می‌شویم قیمت بیشتر و بیشتر می‌شود.

کاظم عزیز می‌معاون مدیریت حمل و نقل سوخت

به استناد جزء ۲ بند ماده ۴۶ قانون پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران آیین‌نامه اجرایی لازم شد افرادی که نیازمند سوخت بیشتری هستند با نرخ دوم سوخت‌گیری کنند. برنامه افزایش نرخ گازوئیل هنوز قطعی نشده است؛ اما در صورت تصویب نیز قیمت سوخت سهمیه‌ای راننده‌ها همان ۳۰۰ تومان باقی خواهد ماند و تنها نرخ دوم تغییر خواهد کرد. میزان سهمیه افراد تغییر نکرده است. سازوکاری پیش‌بینی شده که راننده‌هایی که نیاز به سوخت بیشتری دارند از نرخ دوم استفاده کنند که درصد آن کمتر از یک درصد است.

## تاریخ احزاب ۴۵

گفت‌وگو با ضیاء مصباح درباره موقعیت کنونی جبهه ملی به بهانه زادروز محمد مصدق

## تلاش جدید برای احیای احزاب ملی

## نگاه هم‌میهن

## تابوشکنی از مصدق و تابوسازی از دشمنانش؟



احمد زبیدی نویسنده و مشاور هم‌میهن

هر ساله به مناسبت رویدادهای مربوط به جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران بحث‌هایی درباره کارنامه و عملکرد زندگیداد دکتر محمد مصدق در بین صاحب‌نظران ایرانی در می‌گیرد که بدون سر و صدا و جنجال نمی‌ماند. برخی چهره‌های تاریخی به دلایل کاملاً تاریخی در هاله‌ای از «قدسیت» قرار می‌گیرند و جز به زبان تمجید و ستایش نمی‌توان درباره آنان سخن گفت. تاریخ اما در یک خط مستقیم و یک‌نواخت حرکت نمی‌کند. علت عمده‌اش این است که عقاید و سلیقه و نظام ارزشی افراد جامعه دوره به دوره و نسل به نسل عوض می‌شود و این نیز حرکت تاریخ را دچار اغوجات بسیار می‌کند. وقتی ارزش‌ها رنگ به رنگ شوند، هاله‌های قدسی پیرامون چهره‌های تاریخی هم رنگ می‌بازد و آنها را به هدفی مشروع و موجه برای نقد و مخالفت تبدیل می‌کند. این به خودی خود امر نامطلوب و نامعقولی نیست به شرط آنکه دچار آفت نشود. آفت اما از آنجا بروز می‌کند که قدسیت‌زدایی و تابوشکنی از چهره‌های تاریخی، به‌زائخایی و اغراق درباره کاستی‌ها و نقائص آنها و نادیده گرفتن فضائل‌شان می‌انجامد و در عین حال، با قدسی‌سازی و تابوآفرینی از چهره‌های مخالف و متضادشان همراه می‌شود! بدین ترتیب، حرکتی در جهت رشد و اعتلای فرهنگ جامعه صورت نمی‌گیرد، بلکه یک چرخه معیوب تکرار می‌شود. شادروان دکتر محمد مصدق از جمله چهره‌های تاریخ معاصر است که برای چنددهه و چند نسل به صورت یک اسطوره بی‌همتای سیاسی درآمد. او قربانی معصوم توطئه همدستی استبداد داخلی با استعمار خارجی محسوب می‌شد و بنا به کهن‌الگوی ذهنیت فرد ایرانی، نزد طیف وسیعی از روشنفکران و کنشگران سیاسی و ملی هیچ نقدی به او روا نبود. این وضعیت بنا به طبع و سرشت تحولات تاریخی قابل دوام نبود و دوام هم نیاورد. امروزه نقد عملکرد دکتر مصدق و مخالفت با کارنامه او امری عادی شده است. تا اینجا کار هیچ مشکلی وجود ندارد. مشکل آنجاست که داوری نسبت به او شکلی بی‌رحمانه به خود گرفته و به طرز غیرمنصفانه‌ای حق به حریفان و منتقدان و دشمنان او داده می‌شود. واژه‌هایی چون «بی‌رحمانه» و «غیر منصفانه» صبغه کاملاً ارزش‌دوارانه دارند. معمولاً هر فردی بنا به دستگاه ارزشی مورد قبول و علاقه‌اش، خود را در موضع رحم و انصاف و حریفان را در موضع بی‌رحمی و بی‌انصافی می‌بیند. آیا ملاک و معیاری بیرونی برای ارزیابی بی‌طرفانه این موضوع وجود دارد و یا اینکه تحمل نوعی هرج و مرج داوری سیاسی بین افراد جامعه گریزناپذیر است؟